



اگر ایمان انسان درست باشد، به ریسمانی دست یافته که جدا شدنی نیست

آیت الله جاودان در درس اخلاق خود گفت: اگر ایمان انسان درست باشد، به یک ریسمانی دست یافته است که جدا شدنی نیست. فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا اصلا امکان جدایی ندارد.

آیت الله جاودان در درس اخلاق خود گفت: اگر ایمان انسان درست باشد، به یک ریسمانی دست یافته است که جدا شدنی نیست. فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا اصلا امکان جدایی ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن جلسه اخلاق اخیر آیت الله جاودان در پی می آید: خب در قرآن در آیه 256 سوره مبارکه بقره می فرماید: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا هرکس به طاغوت کفر بورزد و به خدا ایمان داشته باشد، یعنی ایمان درست داشته باشد؛ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى به یک ریسمانی چنگ زده است که جدا نشدنی است. اگر انسان یک چنین چیزی بدست بیاورد، خیلی قیمتی است. ببینید امروز من در خدمت شما هستم. فردا نمی دانم کجا هستم. آن شخص اینگونه است؟ نه. هر روز می دانیم کجا است. هر روز در رکاب امیرالمومنین است. خیلی از آنهایی که به لشکر عمر سعد آمده بودند، قبلا در صفین در لشکر امیرالمومنین با معاویه جنگیده بودند. اینگونه است. اگر ایمان انسان درست باشد، به یک ریسمانی دست یافته است که جدا شدنی نیست. فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا اصلا امکان جدایی ندارد.

می خواهیم یک جای دیگر هم این را پیدا کنیم. یک روایت بسیار زیبایی از حضرت صادق علیه السلام هست. امام فرمود قَالَ لَهَا ذات يومٍ تو یک وقتی یک آدمی را می بینی که مانند بلبل حرف می زند و یک بار در یک واو هم گیر نمی کند. هرچه می خواهد می تواند بگوید. تَجِدُ الرَّجُلَ لَا يَخْطِئُ بِلَامٍ وَلَا وَاوِيكَ مردی را می بینی که در لام و واو هم اشتباه نمی کند. یک واو اشتباه هم نمی گوید. حَظِيْبًا مُصْتَعَا سَخِرَانِ درجه اول است. حالا نمی خواهم نمونه اش را برایتان عرض کنم. وَلَقَلْبُهُ أَشَدُّ ظِلْمَةً مِنَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ دلش از شب تاریک، تارتر است. تاریکی شب تاریک برطرف می شود اما تاریکی او برطرف شدنی نیست و تا ابد با اوست. اگر یک چیزی به من بچسبد، تا ابد با من است آقا. اگر یک چیزی به من چسبید، یک علقه بیهوده، یک صفت بیهوده، یک عمل بد، و من نتوانستم ترک کنم تا از دنیا بروم.

جنس این چیزهایی که عرض می کنیم ابدی است. جنس یک صفت، ابدی است. جنس یک عادت، ابدی است. جنس یک علقه، ابدی است. مگر اینکه خودت یک کاری بکنی و معالجه کنی. اگر معالجه کردی که خوشا به حالت. وَلَقَلْبُهُ أَشَدُّ ظِلْمَةً مِنَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ تو می بینی این همه چیز می گوید. آن بنده خدا رفته بود امریکا و عرفان مولوی می گفت. همه حرف ها درجه یک، بیان درجه یک. اما وَلَقَلْبُهُ أَشَدُّ ظِلْمَةً مِنَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ اما در برابر. البته این بخش حدیث مد نظر نیست. یک مطلب دیگری می خواهم عرض کنم. وَ تَجِدُ الرَّجُلَ لَا يَسْتَطِيعُ يَغَيِّرُ عَمَّا فِي قَلْبِهِ اما یک آدمی را پیدا می کنی که می بینی اصلا توانایی ندارد آنچه که در قلبش هست را به زبان بیاورد. از نظر سخنرانی انقدر توانایی ندارد که آنچه در دلش هست را بگوید. عَمَّا فِي قَلْبِهِ بِلِسَانِهِ این را می خواستیم بگوییم. و قلب او می درخشد. قلبش می درخشد. وَقَلْبُهُ يَزْهَرُ كَمَا يَزْهَرُ الْمِصْبَاحُ. همانطور که یک چراغی از یک فرسخ فاصله بلکه خیلی بیشتر هم در یک بیابان تاریک برق می زند. قَلْبُهُ يَزْهَرُ كَمَا يَزْهَرُ الْمِصْبَاحُ خب این هم اگر به آدم بچسبد، دیگر از انسان جدا نمی شود. حالا می گویند. وقتی قلب به یک چنین نوری رسید، دیگر از آن جدا نمی شود. نمی گذارد. خاصیت دارد. آن نور خاصیت دارد و نمی گذارد جدا شود.

روایت بعدی از حضرت باقر علیه السلام است. إِنَّ الْقُلُوبَ أَرْبَعَةٌ فرمودند قلب چهار نوع است. من می توانم با تعریفی که امام می کند، تشخیص بدهم که قلب من کدام است. البته من همه را نیاورده ام. فقط آن قلب خوب را آورده ام. وَقَلْبٌ أَزْهَرُ أَجْرَدُ قلبی که درخشنده است. أَجْرَدُ از مجرد می آید. آقا این چطور مجرد است؟ قلب مجرد یعنی چه؟ حالا عرض می کنیم. اگر در خاطرتان باشد چندین بار بحث شرح صدر را عرض کرده بودیم. در شرح صدر انسان به قلب أَجْرَدُ می رسد. اخلاق بد از یک ضیق صدر ناشی می شود. هر صفت بدی یک ضیق صدر است. یک صفت بد نشانه ضیق صدر است. اگر زبان من آزاد است، معلوم می شود یک عیبی در قلب من هست. نام عیب در قلب ضیق صدر است. بخل است، حسد است، کینه است، همه اینها ضیق صدر است.

اگر از اینها نجات یافته بودیم آن وقت احساس می کردیم که آدم چقدر آزاد است. ببینید الان یک صدای تق بیاید آدم می ترسد. مثال می زنم. یک نفر می آید و من به او امید می بندم. یک نفر می آید و من از او می ترسم. صد جور فکر می کنم. خب اگر من آزاد بودم که راحت بودم. نه امید بیهوده داشتم، نه ترس بیهوده داشتم، نه دلبستگی بیهوده داشتم. همه چیزم با فایده بود نه بیهوده. آنجا آدم آزاد می شود و از اینها راحت می شود. اینجا را پر از اسکناس و سکه طلا کنند هم دلش خوش نمی شود. سند بیاورند، عقیده و فکرش عوض نمی شود. من ناهارم عوض می شود، فکرم عوض می شود. چقدر گیر هستم؟ مثلا قرار بوده پلو قیمه بخوریم و حالا نبوده و نان و آب دوغ خیار خوردیم. فکرم عوض می شود و به هم می ریزد.

این به خاطر بستگی و بندگی من به این چیزهاست. قَلْبٌ أَزْهَرُ أَجْرَدُ آنجا درخشنده می شود. اگر در خاطرتان باشد یک وقت هایی حدیثش را خوانده بودیم. فرموده بود که نور امام در قلب مومن از خورشید درخشان تر است. از خورشید. آخر خورشید

عالم را روشن کرده. این چه جور نوری است در قلب آدم؟ آن وقت چقدر راحتی می آورد. چقدر خوشی می آورد. خوشی نزد خودش است. ببینید آنهایی که در بهشت هستند، اگر به این بهشت نرسند که به درد نمی خورد. آدمی صد تا غم و غصه دارد و در بهشت است. خب به درد نمی خورد و فایده ندارد. بهشت اول باید به دل آدم بیاید و بعد در بیرون باشد. بهشت بیرونی هست، اما مهمتر این است که در دل من خوشی باشد. هرکجا تو با منی، من دلخوشم. اینگونه باشد. آن دلخوشی در آزادی بدست می آید. در همین قلب اَرْهَرُ اَجْرَد. فَقُلْتُ: ما الأَرْهَرُ؟ این چراغ روشن تر و پر روشنایی تر؟ قَالَ: فِيهِ كَهَيْئَةِ السَّرَاحِ یک چیزی مثل چراغ در دل این می درخشد. باور کنید همین طور است. در احوال یاران خاص امام زمان عین همین لفظ آمده. یک چیزی مثل چراغ در دلشان است. خب این چراغ چکاره است؟ به چه درد می خورد؟ دل من خوش می شود؟ نه تنها خوش می شود بلکه همه چیز می شود. حالا در حدیث بعد می خوانیم.

از این حرف هایی که می زنیم به دنبال این می گردیم که یک صاحب همتی پیدا شود که جوان باشد، اما صاحب همت باشد و برود بگردد و شاید این چراغ را پیدا کند. این کم پیدا می شود. جوان زیاد است اما صاحب همت کم است.

از حضرت باقر علیه السلام است که می فرماید قَلْبٌ مَفْتُوحٌ فِيهِ مَصَابِيحُ یک قلب هایی است که باز است. آنجا لفظ اَجْرَد را گفتند و اینجا می گویند قلب باز است. ببینید همه این چیزها واقعا وجود دارد. من نمی توانم چگونگی اش را بگویم که چگونه واقعا وجود دارد اما واقعا وجود دارد. قلب مفتوح است. آقا مفتوح است یعنی چه؟ هرچه باران می آید درونش می ریزد. اگر باران بیاید. یک وقت هایی باران می آید. اگر در خاطراتان باشد قبلا عرض کردم. در یک جمعی از حاجیان بودیم که گفتند ما چکار کنیم؟ به نظرم بار اولشان بود.

خب اینجا که کاری نمی شود کرد. گفت بعضی ها گفته اند اینجا قرآن بخوانید. بعضی ها گفته اند طواف کنید. خب البته هم ختم قرآن خیلی خوب است و هم طواف خیلی خوب است و خدا خوبش را نصیب همه تان بکند. اما قبلا باید کار کرده باشی. وقتی در خانه ات بودی، باید یک کاری کرده باشی. در این هفت هشت ده روز در اینجا که نمی شود کاری کرد. برای قلب مفتوح، انسان باید قبلا کار کرده باشد و زحمت کشیده باشد. حسادت را از دلش بیرون کرده باشد. بخل را از دلش بیرون کرده باشد. آنجاست که انسان به قلب مفتوح می رسد. قَلْبٌ مَفْتُوحٌ فِيهِ مَصَابِيحُ تَزْهَرُ. ببینید باز همان لفظ است. نه یک چراغ، بلکه چراغ هاست که می درخشند. وَ لَا يُطْفِئُ ثَوْرُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. نورش تا قیامت خاموش نمی شود. فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعَرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وقتی به این نور رسید، دستش به یک ریسمانی بند شده که هیچ وقت جدا نمی شود. تا قیامت انسان را به آن اعلی علین می برد. خوب است که آدم برای چنین چیزی غصه بخورد که ندارد و چکار کند.

وَ هُوَ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ قلب مومن یعنی چه؟ مگر ما مومن نیستیم؟ گفتند فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ هیچ کسی را مقابل خدا نگذاری. هیچ کسی. ما در مقابل خدا چقدر چیز داریم. من آبرویم را هم مقابل خدا می گذارم. اگر در راه خدا بخواهم از آبرویم بگذرم، نمی توانم بگذرم. تو به این معتقدی. به این ایمان داری. خانه و زندگی. من به خانه ام ایمان دارم. نمی توانم بگذرم. ایمان دارم و نمی توانم بگذرم. نمی توانم از بچه ام بگذرم. نمی توانم از خانواده ام بگذرم. نمی توانم. در دلت باید بگذری نه اینکه در خارج بچه ات را دور بیندازی. نه. بچه ات را باید به همان دقت و بیشتر و بیشتر حفظ کنی. ما حتما در نگهداری و حفظ زن و بچه مان کوتاهی داریم. اغلب ما کوتاهی داریم. یعنی در وظایفی که باید انجام بدهیم کوتاهی می کنیم. من می گویم بیشتر از این انجام بدهیم. اما به آنها بسته و دلبسته نباشیم. مفتوح چیست آقا؟ قلب مفتوح آن است که بسته نیست. عرض کردم باران می بارد. داشتم داستان آن کسانی که به مکه رفته بودند را می گفتم. دهه ذی الحجه بود. دهه ذی الحجه جزء بهترین ایام سال است. بهترین ایام. ده روز است و از بهترین ایام است. خب این یک مورد. جایمان کجاست؟ در مکه هستیم. بهترین سرزمین عالم. ایام، بهترین ایام است و سرزمین هم بهترین سرزمین است. اعمال و رفتار هم بهترین اعمال و رفتار است. همان خواندن قرآن و طواف خانه خدا بسیار خوب است. پس چرا من هیچ چیز نمی فهمم؟ من هرچه فکر می کنم با ده روز پیش که منزلمان بودیم هیچ فرقی نمی کند. الان هم همانطور هستم و آنجا هم همانطور بودم. معلوم می شود باران نباریده. آنجا باران رحمت می بارد. چرا من این باران رحمت را حس نمی کنم.

مسجد الحرام خیلی عظیم است. امام زمان علیه السلام در آن ایام برای حج نمی آیند؟ اولیاء بزرگ خدا از اطراف عالم برای حج می آیند. ما که نمی دانیم اولیاء خدا چه کسانی هستند. دنیا پر از اولیاء است. از اطراف و اکناف عالم می آیند. ما به برکت آنها زنده هستیم. آنها می آیند و در خانه خدا طواف می کنند. پس چرا؟ آن دوستان گفت روز سیزدهم که خدا نصیب همه تان کند، باران آمده بود. یک باران هایی می آید که دیگر هیچ کس مقاومت نمی کند. همه خالی کرده بودند و رفته بودند. گفت ما داخل شیبستان بودیم. دیدم آن موقع وضع مسجدالحرام یک طوری است. خدا کند آدم این را بفهمد. اگر آدم این را بفهمد خیلی خوب است. گفت دیدم مسجد الحرام یک طوری است. بعد کارهایم را کردم دیگر. حالا یک طوری هست. من چکار کنم. دستم که به دامن کسی نمی رسد. به کاروان رفتیم. استادمان آنجا نشسته بود. گفت الان حضرت ولی عصر در مسجد الحرام طواف حج شان را انجام دادند و از اینجا هم به کربلا رفتند. تو یک فرسخ آن طرف تر نشسته بودی. از کجا فهمیدی؟ انقدر آدم چیز می فهمد که اصلا بیانش هم مقدور نیست. دیگر چیزی در عالم وجود ندارد که تو نفهمی. از همین مادیات تا غیر مادیات. همه چیز را می فهمی. این هست. باید قلب باز شود. چکار کنیم؟ از کجا شروع کنیم؟ شرح صدر از کجا بود؟ ضیق صدر از کجا بود؟ عرض کردیم ضیق صدر از گناه است. بعد از اخلاق های بد است.

اگر من بتوانم گناهم را اصلاح کنم، گناه یک ذره اش هم کم نیست. یک ذره اش یک عالم است. ما یک جایی به عروسی رفته بودیم. یک موسیقی خیلی قشنگ ملایمی می زدند. خب نمی شود اینجا ماند. یک ذره. خب یک ذره هم بد است دیگر. اگر بد است، بد است. اگر خوب است، خوب است. این را مکرر برایتان خوانده بودیم. فرمایش امیرالمومنین علیه السلام است که می

فرمایند إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدٌ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى تَفْسِيهِ از محبوب ترین بندگان خدا بنده ای است که خدا او را در مبارزه علیه نفسش کمک می کند. این هم دلیل خوبی است. ما جنگ را داریم و همیشه مغلوب هستیم. یا گاهی غالب می شویم و اغلب مغلوب می شویم. به همت آدم بستگی دارد. محبوب ترین بندگان خدا آن بنده ای است که خدا در این جنگی که با خودش دارد کمکش می کند. جنگی که با خودش دارد. آقا ما با خودمان جنگ داریم دیگر. دلم می خواهد فلان کار را بکنم. خب دلم می خواهد. نمی توانم از پس برپایم. آن بنده، بنده ای است که خدا کمکش می کند از پس خودش برپاید. در ادامه حدیث امام باقر علیه السلام می فرماید فَظَهَرَ مَصْبَاحُ الْهَدْيِ فِي قَلْبِهِ. این آدم است که به آن قلبی که در آن مصابیح است، می رسد. مصباح یعنی چراغ و مصابیح یعنی چراغ ها. می گوید این مصباح، مصباح هدایت است و به انسان راه نشان می دهد. نه اینکه شب در تاریکی نباید دستت را به دیوار بگیری. باید دستت را به دیوار بگیری. اما راه واقعی زندگی را نشانت می دهد. قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ حالا دیگر راهش را با بصیرت می بیند و می رود. راهش را با بصیرت می بیند. شک نمی کند. آقا همه رفته اند آن طرف. خب رفته باشد. وقتی با بصیرت باشد، راهش را عوض نمی کند. وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ.

آخرش چه؟ من یک حرفی می زنم و شما می شنوید. من خوشحال هستم که گفتم و شما هم خوشحال هستید که شنیدید. بعد هم می رویم و راحت و مثل هر روز زندگی مان را از سر می گیریم. آقا لااقل آدم سالی یک دانه از گناهانش را کنار بگذارد، سالی یک دانه، آخرش نجات پیدا می کند. به درجه همت آدم بستگی دارد. همه قیمت آدم به همت اوست. اراده و همت. همه قیمت انسان به همت اوست. گاهی از این دعوای خانوادگی می شنویم. آدمی که تربیت نشده باشد، چقدر می تواند بد باشد. آدم معمولی. همه ماها آدم های معمولی و خوبی هستیم. اما به وقتش. دیشب یک کسی یک دعوایی را آورده بود. ای بابا. آدم مسلمان، متدین، هیئتی، جلسه ای، چه حرف هایی می تواند بزند. چه کارهایی می تواند بکند. آدم اگر مراقب خودش نباشد، همه چیز از آدم برمی آید. آدم اگر مراقب خودش نباشد و دلش برای خودش نسوزد، خیلی کارها از دستش برمی آید.